

یکم بهمن ماه شورای عالی کار جلسه تعیین حداقل دستمزد برای سال آینده را برگزار می‌کند

آغاز دومینوی دستمزدها

گروه کاری قبل از محاسبه سبد معیشت وارد مذاکره جدی برای دستمزد ۲۰۱۴ نمی‌شود؛ تأکید ما بر این است که باید سبد محاسبه شود



● عکس: تهران نیوز

دارد. تریبون‌ها و رسانه‌های دولتی هرازگاهی از کاهش تورم سخن می‌گویند اما این کاهش خود را در سبد معیشتی نه‌تنها نشان نمی‌دهد، بلکه حداقل‌گیران همچنان برای گذران زندگی با ازدیاد مشکلات معیشتی دست به گریبان هستند.

معمای سبد معیشتی

عضو کارگری شورای عالی کار می‌گوید: گروه کاری قبل از محاسبه سبد وارد مذاکره جدی برای دستمزد ۱۴۰۲ نمی‌شود؛ تاکید ما بر این است که باید سبد محاسبه شود.

همان‌طوره‌که اشاره شد در روزهای اخیر، نمایندگان مجلس عدد و رقم برای افزایش دستمزد ۱۴۰۲ پیشنهاد داده‌اند یا به عبارتی اعلام کرده‌اند؛ این در حالی است که هنوز جلسات رسمی شورای عالی کار برای تعیین دستمزد سال آینده برگزار نشده و تنها مرجع قانونی تعیین دستمزد کارگران شاغل و بازنشسته همین شورای سه‌جانبه است. در روز پیش از این، ولی اسماعیلی (عضو کمیسیون اجتماعی مجلس) از ۲۰ درصد افزایش مزد سال بعد سخن گفت و رسانه‌ها و کانال‌های فضای مجازی به سرعت این اعداد نادرست و غیرمرتبط را تیت‌ر کردند؛ به‌راستی چرا نمایندگان مجلس در این زمینه ورود می‌کنند آن‌هم ورود دردرساز؛ جلسات مزدی شورای عالی کار چه زمانی آغاز به کار می‌کند؟

علی‌خدايي (عضو کارگری شورای عالی کار) با بیان اینکه شرایط برای تعیین مزد منطقه‌ای در کشور فراهم نیست، ادامه داد: اگر قرار باشد دستمزد پایین‌تری تعیین کنیم و کارگر حاضر به کار نباشد، امنیت شغلی نیروی کار به خطر می‌افتد. درحال‌حاضر زیرساخت‌ها برای اجرای منطقه‌ای‌شدن دستمزد وجود ندارد و معتقدیم که در صورت چنین تصمیمی باید به فکر مهاجرت‌ها از یک شهر به شهر دیگر باشیم؛ زیرا چنین تصمیمی معادلات بازار را به هم می‌زند و عرضه و تقاضا را دچار مشکل می‌کند. وی گفت: اگر بخواهیم در یک منطقه مزد بیشتری پرداخت کنیم، باید این مسئله را هم در نظر بگیریم که شاید هزینه‌ها در آن منطقه بیشتر باشد. ولی متأسفانه چنین فرهنگ کاری وجود ندارد و غالب افراد به امید دریافتی بیشتر، شهر و کاشانه خود را ترک می‌کنند و به شهر دیگر می‌روند و معضلات اجتماعی و خانوادگی بسیاری پیش می‌آید. بنابراین تعیین مزد منطقه‌ای در شرایط حاضر به مصلحت نیست.

با این حساب از روز نخست بهمن‌ماه دومینوی تعیین حداقل دستمزدها آغاز می‌شود. برخی که هم از موجود اقتصادی نشست می‌گیرد و هم می‌تواند تبعاتی را برای افت و خیزهای اقتصادی کشور به همراه آورد، مخصوصا حالا که تورم شرایط معیشتی کارگران را با گره‌هایی به‌مراتب بیشتر همراه کرده است. البته این تنها بخشی از ماجرای نسبت اقتصاد ایران با حداقل دستمزدها محسوب می‌شود. همیشه این‌گونه بوده است که اگر حداقل دستمزدها سطح صعودی زیادی را تجربه می‌کردند، تولیدکنندگان در پرداخت حقوق کارگران با مشکل مواجه می‌شدند و اگر شیب حقوق کارگران شرایط مساعدی را نمی‌دید، کارگران در مقابله با تورم آسیب‌های بیشتری را محتمل می‌شدند. امروز اما بیش از هر وقت دیگری این فقدان تناسب در اقتصاد ایران به چشم می‌خورد. به عبارتی کشش تورم وضعیتی را به وجود آورده است که هر دو گروه کارفرما و کارگر با نگرانی از سطح حداقل دستمزد برای سال آینده سخن می‌گویند. پیش از این برخی نمایندگان مجلس از افزایش ۲۰درصدی حداقل دستمزدها خبر داده بودند که این موضوع با انتقاد نمایندگان کارگری همراه شد؛ چون شورای عالی کار تنها مرجع تعیین حداقل دستمزد مطرح می‌شود. بر همین اساس باید گفت شورای عالی کار بدون پذیرش هر نرخ یا افزایشی که تا به حال اعلام شده است، تازه از روز نخست بهمن میز تأیید حداقل دستمزد را تشکیل می‌دهد. در این رابطه ایلتا به عنوان تنها مرجع رسمی – رسانه‌ای کارگران به نقل از یک عضو کارگری شورای عالی کار می‌نویسد: «کارگران قییم نمی‌خواهند، نمایندگان مجلس عدد و رقم ندهند؛ اول «محاسبه سبد معیشت» باید صورت بگیرد، بعد مذاکرات مزدی کار خود را انجام دهد. این نکته‌ای است که نمی‌توان به آن توجه نکرد. سبد معیشت در اقتصاد ایران مدت‌هاست رویکردی متفاوت از ادعاهای مسئولان در مورد تورم

مشخص است؛ چون به دلیل سیاست‌های نادرست دولت و آزادسازی‌های پیاپی، امروز فاصله فاحشی بین هزینه‌های زندگی و دستمزد وجود دارد، می‌خواهند از محاسبات سبد معیشت و الزامات بند دو ماده ۴۱ فرار کنند و افزایش دستمزد ۱۴۰۲ را به انحراف بکشانند؛ اما اینجا با جدیت اعلام می‌کنم، گروه کارگری قبل از محاسبه سبد وارد مذاکره جدی برای دستمزد ۱۴۰۲ نمی‌شود؛ تاکید ما بر این است که باید سبد محاسبه شود. او در پایان اضافه می‌کند: در این میان، نمایندگان مجلس بهتر است به تکلیف نظارتی خود عمل کنند و از دولت بخواهند با افزایش دستمزد ۱۴۰۲ برابر با افزایش هزینه‌های زندگی موافقت کند؛ به این طریق می‌توانند به نفع کارگران عمل کنند وگرنه کارگران قییم و وکیل و وصی نمی‌خواهند.

بازنشستگان و شورای عالی کار

حسن صادقی نیز می‌گوید: تاکید ما در مورد دستمزد حفظ قدرت خرید کارگران و بازنشستگان از طریق معیار قراردادن نرخ سبد معیشتی است که در مذاکرات سه‌جانبه به دست آمده است. بازنشستگان بخش خود را تنها ۲۰ درصد اضافه کرد. چنین افزایشی اگرچه ربطی به کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی ندارد و دستمزد آنها طبق قانون کار در شورای عالی کار تعیین خواهد شد، اما به هر حال نشان از مقاومت برای افزایش دستمزد مطابق با نرخ تورم و سبد معیشت دارد. این در حالی است که نرخ تورم رسمی بالای ۴۰ درصد اعلام شده و همچنین پیش‌بینی می‌شود به دلیل سیاست‌های اقتصادی در حذف ارز ترجیحی و نشاندن ارزی نیامی ۲۸ هزار تومانی جای آن، قیمت کالاها و مشخصا قیمت کالاهای اساسی رشدی چندبرابری داشته باشد. از این‌رو فعالان کارگری معتقدند دستمزد کارگران و به تبع آن دستمزد بازنشستگان باید به گونه‌ای تعیین شود که بتواند قدرت خرید کارگران را حفظ کند.

حسن صادقی (رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه‌کارگری) درخصوص افزایش حقوق کارگران و بازنشستگان اضافه می‌کند: حقوق کارگران باید در شورای عالی کار و با توجه به ساده ۴۱ قانون کار مطابق با نرخ تورم و سبد معیشت تعیین شود. موضوع افزایش حقوق بازنشستگان نیز تحت تأثیر همین دستمزد صورت می‌گیرد. وی ادامه داد: حدود دومیلیون و ۳۰۰ هزار نفر از مستمری‌گیران کف‌بگیر و زیر کف‌بگیر هستند که از این تعداد بالغ بر یک‌میلیون و ۳۵ هزار نفر با ۱۰ تا ۲۰ روز حقوق، کمتر از کف و حدود یک‌میلیون و ۲۸۰ هزار نفر نیز با سابقه ۲۰ تا ۳۰ و بعضا ۳۵ سال کار کف حقوق را می‌گیرند. باقی بازنشستگان نیز متوسط‌بگیر و سقف‌بگیر هستند. حقوق بازنشستگان باید مطابق با ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی تعیین شود.

صادقی با اشاره به اهمیت مصوبه مزدی شورای عالی کار برای بازنشستگان گفت: جلسات مزدی شورای عالی کار از این جهت که بعدا در تعیین حقوق بازنشستگان مبنأ قرار می‌گیرد، مهم است. البته باید بگویم ما سال‌هاست زندگی ملزم کم در این شرایط نداریم؛ در واقع آنچه هرساله در شورای عالی کار اتفاق می‌افتد، افزایش حقوق نیست، بلکه تلاش برای حفظ قدرت خرید کارگران است. رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری بیان کرد: آنچه تا امروز در شورای عالی کار مصوب شده نتوانسته قدرت خرید کارگران را حفظ کند. بنابراین چانه‌زنی در شورای عالی کار باید حول این موضوع انجام شود. دستمزد باید بتواند قدرت خرید سال ۹۹ و ۱۴۰۰ را برگرداند درحالی‌که به دلیل افزایش نرخ تورم، روز به روز اوضاع بدتر شده است. امروز کارگران و بازنشستگان حتی قدرت خرید سال‌های قبل خود را هم ندارند.

صادقی گفت: ما البته به هوش و قدرت چانه‌زنی

نمایندگان کارگری در شورای عالی کار واقف هستیم؛ آنها می‌دانند برای حفظ این قدرت خرید باید چانه‌زنی بر سر دستمزد را روی نرخ سبد معیشت متمرکز کنند. سبیدی باید مبنای مزد قرار بگیرد که همه مؤلفه‌های اساسی زندگی یک خانواده ۳.۳ نفری را تعریف کرده و در مذاکرات سه‌جانبه دولت، نمایندگان کارگری و کارفرمایی مورد توافق قرار بگیرد. رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری با اشاره به افزایش دستمزد ۲۰درصدی کارمندان و بازنشستگان دولت در بودجه تاکید کرد: اگر کسی در تعیین دستمزد بدون محاسبه نرخ سبد معیشت سراغ درصد برد، نشان می‌دهد نه اقتصاد می‌داند و نه از شاخص‌های تورم باخبر است.

صادقی گفت: افزایش ۲۰درصدی حقوق کارمندان و بازنشستگان در بودجه هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارد، ضمن اینکه بودجه ۱۴۰۲ نرخ تورم را افزایش خواهد داد. خودشان پیش‌بینی کرده‌اند در بودجه اسمال تورم ۴۷درصدی پنهان است که ما می‌گویسم تورم پنهان این بودجه بیش از اینهاست و حتی به ۵۷ درصد هم می‌رسد. به علاوه باید توجه داشته باشیم که در اجرا شاخصه‌های تورم بیش از اینها رشد خواهد داشت. رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری به فریز اقتصادی در طول سال‌ها اشاره کرد و گفت: نرخ تورم هرساله به دلیل سیاست‌های نادرست دولت افزایش پیدا می‌کند اما دستمزدها فریز می‌شود. صادقی با مقایسه دستمزد کارگران در ایران و ترکیه گفت: در ترکیه نرخ نرخ تورم در سال چند بار بالا رفت اما دولت سادات درستی پیش گرفت و سه بار دستمزد را افزایش داد تا قدرت خرید مردم حفظ شود و جامعه دچار رکود تورمی نشود؛ چراکه وقتی قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند دیگر مصرف‌کننده‌ای برای کالای داخلی وجود نخواهد داشت و همین اوضاع را به ضرر تولید می‌کند.

رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری در ادامه به مالیات توری اشاره کرد و گفت: عامل اصلی افزایش نرخ تورم در ایران، دولت‌ها هستند و اتفاقا همان‌ها بیشترین بهره را از تورم خودساخته می‌برند؛ چراکه از این طریق از جیب حقوق‌گیران و اقتصار ضعیف جامعه مالیات‌تورمی می‌گیرند. آنچه دولت در مورد بصل مالیات بر دارایی می‌گوید، چندان قابل اعتنا نیست؛ اصل مالیات با تورم از جیب اقشار ضعیف جامعه گرفته می‌شود نه ثروتمندان. وی به وضعیت بد معیشت کارگران و بازنشستگان اشاره کرد و گفت: کارگران و بازنشستگان قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی خود نیستند. کارگری که قبلا ۱۰ساله خانه می‌خرید، حالا با توجه به عدم تناسب بین دستمزد و نرخ تورم، ۱۲۰ سال هم اگر کار کند نمی‌تواند خانه بخرد. صادقی در پایان گفت: تاکید ما در مورد دستمزد حفظ قدرت خرید کارگران و بازنشستگان از طریق معیار قراردادن نرخ سبد معیشتی است که در مذاکرات سه‌جانبه به دست آمده است. ما صراحتا اعلام می‌کنیم که مدافع مواضع نمایندگان کارگری شورای عالی کار در بحث دستمزد هستیم و برای حفظ قدرت خرید کارگران و بازنشستگان تمام‌قد پای آنها می‌ایستیم. به هر حال هرچه هست به نظر می‌رسد امسال هم برای کارگران، هم برای کارفرمایان و هم برای دولتی‌ها تعیین حداقل دستمزد تا حد زیادی سخت باشد. شرایط اقتصادی کشور به‌گونه‌ای است که هرگونه اشتباهی در محاسبه حداقل حقوق می‌تواند برای کل اقتصاد کشور پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد. این نکته‌ای است که مسئولان دولتی باید بیشتر به آن توجه داشته باشند؛ چون تجربه ثابت کرده است برخی مسئولان اجرایی نگاهی تبلیغاتی–سیاسی به تعیین حداقل دستمزدها دارند. فعلا باید منتظر بود تا به‌زودی یکی از پریحتمل‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی ایران در ماه آینده تعیین تکلیف شود.

یادداشت

همه‌گیری ویروس مهاجرت



منوچهر محمد شمیرانی

ای کاش، آدمی وطنش را مثل بنفشه‌ها در جعبه‌های خاک یک روز می‌توانست همراه خوشبختن ببرد هر کجا که خواست

(محمدرضا شفیعی‌کدکنی)

صدای بلندگوی سالن فرودگاه برای آخرین‌بار از مسافران می‌خواست هرچه سریع‌تر برای تحویل بار و دریافت کارت پرواز مراجعه کنند و او، درحالی‌که اشک در گوشه چشمانش جمع شده بود، احساس می‌کرد وزنه‌های سنگین سرب‌ی به پایش بسته‌اند و قدرت ندارد پایش را بلند کند و قدمی به جلو بردارد. تمام صحنه‌های زندگی‌اش، از کودکی و مدرسه و دانشگاه و بی‌کاری و سرخوردگی، از بی‌توجهی مسئولان به تحصیلات و تخصصی که به دست آورده بود، همچون دور تند یک فیلم، از مقابل چشمانش گذشت. با وجودی که هست و نیست و هویت و تربیت خود را بارآمده در این کشور می‌دانست ولی دیگر تاب و تحمل بی‌کاری، بی‌آینده‌بودن و ناامیدی برای داشتن یک زندگی معمولی را نداشت. اشک‌هایش را پاک کرد. چمدانش را از زمین برداشت و بلیت و پاسپورتش را مقابل مأمور فرودگاه گذاشت. حرف از «سفرکردن» که پیش می‌آید ذهن انسان به چند روز و چند هفته و اگر برای تحصیل‌کردن باشد در نهایت، به چند سال محدود می‌شود. ولی وقتی صحبت از هجرت و مهاجرت می‌شود، به معنی آن است که فرد قصد ترک و جلای وطن دارد. می‌خواهد از وطنش برود. می‌خواهد بار سختی‌ها و نااملایماتی را که در سرزمین مادری دیده است، بگذارد و با کوله‌ای از خاطره و چمدانی که به قول سهراب سپهری، «به اندازه وسعت تنهایی» او جا دارد، بار سفر ببرند و به امید زندگی و روزگاری بهتر راهی دیار دیگری شود؛ دیار دیگری که او را ارج می‌نهد، قدر می‌شناسد، جا و مکان و کار مناسب می‌دهد و او را بر روی چشم می‌گذارد ولی حیف که آن دیار، وطنش نیست.

نگاهی به گذشته

بررسی تاریخی جابه‌جایی انسان‌ها، نشان می‌دهد انسان‌های اولیه نیز برای به‌دست‌آوردن شکار و غذا و جای بهتر و زندگی مناسب‌تر کوچ می‌کردند و در سرزمینی بهتر و مطابق با میلشان اقامت می‌کردند. شاید بتوان گفت زرتشتیان ایرانی‌تبار، اولین گروه ایرانیان هستند که در سده دوم هجری و پس از سلطه اعراب بر ایران، به هندوستان مهاجرت کردند و با وجود گذشت بیش از هزارو ۲۰۰ سال، هنوز بسیاری از سنت‌های ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. تا حدود دهه ۵۰ شمسی، ایرانیانی که بار سفر می‌بستند، بیشتر دانشجویانی بودند که برای تحصیل به کشورهای دیگر می‌رفتند. ولی از آن پس و به‌خصوص از دهه ۶۰ به بعد تاکنون، جمعیت کشور شاهد موج بزرگ و سیل مهاجرت از ایران به کشورهای دیگر بوده است؛ کشورهایی که در دهه‌های اخیر، تنوع و تعدد زیادی داشته است و حتی ایرانیان مهاجر را در کشورهای دورافتاده جهان نیز می‌توان سراغ رفتی.

موج جدید مهاجرت

آمار مهاجران ایرانی به دلیل عدم بررسی لازم و نبود اطلاعات کافی در سازمان‌های مرتبط، به‌شدت متفاوت است. در بررسی‌های انجام‌شده، این آمار تا هفت میلیون نفر ذکر می‌شود که احتمال می‌رود با توجه به تداوم و شدت‌گرفتن موج مهاجرت ایرانیان، این آمار از تعداد هفت میلیون نفر نیز فراتر رفته باشد؛ چراکه بنا بر آمار رسمی، فقط تعداد ایرانیان ساکن آمریکا، بالغ بر یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار نفر برآورد شده است. اگر مبنای محاسبه را همان هفت میلیون نفر در نظر بگیریم و بار مالی هزینه تحصیل و رشد یک ایرانی در دوران دبستان، دبیرستان و دانشگاه را رقم ۱۲۰ هزار دلار بدانیم، حاصلضرب این دو عدد، رقمی نجومی خواهد بود که بی‌تردید، با تنگ‌نظری‌ها و سوءمدیریت‌ها، علاوه بر دورشدن اعضای بسیاری از خانواده‌های ایرانی از یکدیگر، این رقم هنگفت از کیسه ملت ایران خارج شده است. رص‌خانه مهاجرت ایران در سال ۱۴۰۰ از دوراب‌برشدن مهاجرت ایرانیان در ۳۰ سال گذشته خبر داده بود و در سالنامه مهاجرت امسال خود نیز مهاجرت را روبه‌رشدترین پدیده اجتماعی در دو سال اخیر عنوان کرده است. بررسی رصد‌خانه مهاجرت ایران، حاکی از آن است اگر تا چند سال پیش، مشکلات اقتصادی (و در دهه‌های پیش، مشکلات سیاسی) دلیل اصلی مهاجرت ایرانی‌ها بوده است ولی از دو سال پیش، مشکلات اقتصادی جای خود را به «ناامیدی از اصلاح امور و اعتراض به شیوه حکمرانی» داده است. شاید به همین دلیل باشد که این تعداد بسیار زیاد از ایرانیان، شال و کلاه می‌کنند و به امید دستیابی به رفاه و امنیت بیشتر، کیفیت زندگی بهتر، دوری از تبعیض حرفه‌ای و اجتماعی و جنسیتی، زندگی در جامعه‌ای قانون‌مدار، دریافت حقوق متناسب با هزینه‌های زندگی و تأمین آینده فرزندان خود، راهی سرزمین‌های دور و ناشناخته می‌شوند تا روشنی چراغ امید به آینده‌ای بهتر در وجودشان پر نورتر شود.

فرار مغزها یا فرار همگانی

در چند دهه اخیر، کارشناسان و دلسوزان بسیاری نسبت به خطرات و اثرات منفی «فرار مغزها» یا رفتن و برگشتن نیروهای متخصص از کشور، به دلیل بی‌توجهی‌ها و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده از توان آنان در بخش‌های مختلف کشور هشدار داده‌اند ولی گوش شنوایی برای شنیدن این هشدارها پیدا نشد و این روند، با اضافه‌شدن مشکلاتی که از حیث محدودیت‌های فردی و اجتماعی در سال‌های اخیر اضافه‌تر شد، دست به دست هم دادند تا جایی که در هر خانه و هر جمعی، صحبت از رفتن است؛ رفتن جوانان که برای دستیابی به آینده‌ای بهتر و روشن‌تر، خود را برحق و مجبور به رفتن می‌بینند. مهاجرت که روزگاری بیشتر شامل فرار مغزها بود، در این روزها و سال‌ها، تبدیل به پدیده‌ای شده است که حتی بسیاری، بدون تحصیلات دانشگاهی، راهی راه دور دراز مهاجرت به سرزمین‌های ناشناخته می‌شوند؛ به عبارتی، این شرایط بیشتر به یک «فرار همگانی» شباهت پیدا کرده است! از هر کدام که بپرسید فقط می‌خواهد برود؛ چه به شکل مهاجرت تحصیلی، مهاجرت کاری یا مهاجرت از طریق پناهنده‌گی. افزایش آمار پناه‌جویان و پناهندگان ایرانی در سال‌های اخیر، درخواست بالای ویزای کاری و استارت‌آپی و تحصیلی و کاهش چشمگیر درصد تمایل بازگشت مهاجران ایرانی به کشور، نشانه و هشدارِی است که اگر مسئولان مربوطه به‌موقع چاره‌اندیشی نکنند و نخواهند با تغییر شیوه حکمرانی و تأمین کامل حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و بهبود رفاه و معیشت مردم، تغییری را در سطح جامعه به وجود بیاورند، دور از انتظار نخواهد بود که این «فرار همگانی»، تبدیل به یک سیل شود.

کسب چارک اول

به هر حال، تداوم این روند در چند دهه اخیر و افزایش تمایل به مهاجرت در این سال‌ها، موجب کاهش احساس همبستگی ملی در کشور شده است و روز به روز، بر آمار ناامیدان و دل‌درست‌دگان نسبت به تغییر و بهبود شرایط افزوده می‌شود. به همین دلیل، شاهد آن هستیم که بر اساس آمارهای سالنامه مهاجرتی ایران، رتبه کشور ما در پذیرش و ارسال مهاجر به جهان، در سال ۲۰۲۰ در چارک اول قرار می‌گیرد. با توجه به خسارت‌های هنگفت مادی و معنوی افزایش مهاجران ایرانی و نشانه‌هایی از قبیل کاهش ۱۶۰ هزار نفری داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد در سال جاری، جای تعجب است که دولتمردان و مسئولان کشور، به جای شناخت درست مسئله و تغییر روش‌های حکمرانی و اتخاذ تدابیر تشویقی برای جوانان، دست به اقداماتی می‌زنند که از پیش، سرنوشت آن مشخص است. در همین ارتباط، متأسفانه تصور می‌شود افزایش چندین برابری هزینه آزادسازی مدارک تحصیلی یا توقف برگزاری آزمون «آیلتس» (آزمونی به عنوان شرط ضروری برای کسب پذیرش تحصیلی در دانشگاه کشورهای دیگر) در ایران، می‌تواند مانع از مهاجرت جوانان تحصیل‌کرده شود. باید گفت یکی از دلایل ترغیب بیشتر به مهاجرت، انجام همین روش‌هاست که موجب شده سن مهاجرت کاهش یابد و بسیاری از والدین، فرزندان خود را از سنین پایین‌تر به کشورهای دیگر بفرستند و خود نیز به دنبال آنان راهی شوند. به هر حال، با این تصمیم‌گیری‌های بی‌توجه به دلایل و ریشه‌های بروز بحران، فقط به این نتیجه می‌رسید که مسئولان عزیز همچنان سرا را از سر گذاش می‌توان‌اند!